



اشطار

سید مرتضیٰ مجتهدی سیستانی



انتظار

تألیف:

سید مرتضیٰ مجتهدی سیستانی

نوشتۀ حاضر

بخشی از کتاب «اسرار موقّیت» است

که تاکنون به زبان‌های عربی، اردو،

انگلیسی و آذربایجانی

ترجمه و چاپ شده است.



نشر حاذق

انتظار

مؤلف: سید مرتضی مجتهدی سیستانی

ناشر: نشر حاذق

چاپ: جعفری

توبت چاپ: اوّل

تاریخ چاپ: نیمۀ شعبان ۱۴۲۶

قطع و صفحه: پالتوی ۴۸/

تیراژ: ۷۵۰۰ جلد

مرکز نشر و پخش: قم - خیابان ارم مؤسسه فرهنگی نشر حاذق

۰۹۱۲۱۵۱۸۰۷۶ | ۷۷۴۲۵۴۴ | ۷۷۴۲۵۴۲

۰۹۱۲۲۵۲۵۲۷۵ | ۰۹۱۲۲۵۱۸۷۷۵

E-mail : nashr_hazegh@noavar.com

ISBN : 964 - 5970 - 95 - 4

شابك : ۹۵ - ۴ - ۵۹۷۰ - ۹۶۴

مرکز پخش: مشهد - خیابان خسروی نو - بازار سرشور - نبش سرشور ۸

۰۵۱۱ - ۲۲۵۷۲۵۷

فروشگاه طالبیان

۲۵۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قسمتی از زیارت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه :

ای رهبران پاک

ای نورهای جاویدان الهی

ای دیدگان خداوند در میان آفریدگان

من در انتظار امر شما و فرارسیدن حکومت شما هستم

من با شما هستم نه با غیر شما

من به شما ایمان دارم و از دشمنانتان بیزارم

بحار الأنوار: ۱۰۰۰/۳۴۵، الصحيفة المباركة المهدية: ۵۸۴

فهرست مطالب

ارزش انتظار	۷
عوامل انتظار	۱۰
۱- آشنایی با مقام امام زمان ارواحنا قده	۱۲
۲- آشنائی با آثار انتظار:	۱۶
۱- گریز از یأس و ناامیدی	۱۶
۲- تکامل روحی	۱۸
مرحوم شیخ انصاری در منزل امام زمان ارواحنا قده	۲۱
رمز موفقیتها و راز محرومیتها	۲۳
۳- شناخت مقام ولایت	۲۹
۴- شناخت مدعیان	۳۰
۳- آشنایی با مقام منتظران تکامل یافته	
یا اصحاب بزرگ امام عصر ارواحنا قده	۳۱
اشاره‌ای به قدرت آنان	۳۳

- آشنایی با زمان ظهور ۳۷
- ۱- پاکسازی باطن ۳۷
- ۲- تکامل عقلا در زمان ظهور ۴۰
- ۳- تحوّل عظیم در جهان ۴۳
- نتیجه بحث ۴۷

از فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام :

أَفْضَلُ عِبَادَةِ الْمُؤْمِنِ اِنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ

برترین عبادت مؤمن آن است که از سوی خدا،

انتظار گشایش و فرج داشته باشد.

ارزش انتظار

انتظار، از ویژگیهای عالی مردانی است که در راه موفقیت، گام برمی دارند. زیرا بر اساس گفتار گهرباری که خاندان وحی در پیرامون شخصیت مردان بزرگ در دوران غیبت، بیان فرموده‌اند؛ منتظران راستین ظهور، بافضیلت‌ترین مردم همهٔ زمانها هستند.

به این جهت گروهی - با برداشت کاملی که از مسألهٔ انتظار دارند - آن را مهم‌ترین عامل موفقیت، در این روزگار می‌دانند و معتقدند، انسان می‌تواند همهٔ عوامل تعالی و

تکامل را در «انتظار راستین» جستجو نموده و به وسیله آن بر فراز آسمان معنویت به پرواز درآید و خود را از مشکلات و گرفتاریهای اجتماعی و گرفتگیهای روحی نجات بخشد. انتظار، به معنای واقعی و کامل آن، حالتی است دشوار، که گویی هاله‌ای از اسرار، آن را احاطه کرده است و اندک مردمانی وارسته، به کمال آن راه یافته‌اند و از بیافته‌های دشمنان سر تافته‌اند.^۱

زیرا انتظار در مرحله عالی و نهائی آن - که در اصحاب خاص امام زمان ارواحنا فداء وجود دارد - به معنای آمادگی و کمک - با استفاده از قدرت‌های غیر عادی - برای پیاده کردن نظام آسمانی و خدمتگزاری در حکومت ملکوتی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء است.

۱. افرادی که با توسل و یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مراسم انتظار را به پا می‌دارند، زیادند و بحمد الله برگزاری این گونه مجالس رو به افزایش و گسترش است و مقصود ما نفعی این گونه مجالس و این گونه افراد و منتفی بودن حالت انتظار در آنان نیست. زیرا انتظار دارای مراتب است و آنان که به کمال انتظار و مراحل عالی آن راه یافته‌اند، - گرچه تعدادشان کم است - از میان همین گونه افراد برخاسته‌اند و با تلاش و کوشش و تحمل سختیها و ناگواریها، در راهی که برگزیده‌اند، از پای ننشسته‌اند.

زخوف بادیه دل بد مکن ببند احرام که مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز

انتظار، در هر مرحله‌ای که تحقق پذیرد، یک نوع استمداد باطنی از عالم غیب و راه تقرّب به خداوند است و اگر تداوم یافته و تکامل یابد، با مرور زمان تیرگیهایی که در اعماق وجود انسان وجود دارد و در نفس و ضمیر ناخودآگاه او قرار گرفته است، نابود می‌کند و دریچه‌هایی از نور و روشنایی را در باطن انسان روشن می‌سازد و از این طریق راه تکامل را به سوی او می‌گشاید. زیرا انتظار، حالت آمادگی در تمام ابعاد لازم است و توجه باطن را به سوی جهانی از صفا، صمیمیت و نورانیت جذب می‌کند. جهانی که همه قدرت‌ها و توانایی‌های اهریمنی و شیطانی در آن نابود می‌شود و انوار الهی بر اعماق جان همه انسانهای سراسر گیتی می‌تابد.

با توجه به این حقیقت، می‌گوئیم: کسی به مراحل عالی صراط انتظار گام نهاده است، که دارای قدرتهای خارق العاده باشد. زیرا همان گونه که می‌دانیم؛ حکومت امام عصر ارواحنا فداء، یک حکومت ملکوتی و فوق العاده می‌باشد. که درک کامل آن برتر از قدرت اندیشه ما است. و باید یاورانی پروانه‌وار گرداگرد حضرت بقیة الله ارواحنا فداء جمع گشته و در صف مقدم به یاری آن بزرگوار پردازند که خود مرد راه

باشند و قدرت اطاعت فرمانهای ملکوتی آن بزرگوار را که نیاز به داشتن قدرتهای خارق العاده دارد^۱، داشته باشند.

روایاتی که اوصاف و ویژگیهای سیصد و سیزده تن از یاوران ممتاز امام عصر ارواحنا فداء را بیان می کنند، آنان را دارای قدرتهای روحی و غیر عادی - حتی در زمان غیبت - معرفی می نمایند.

عوامل انتظار

ما باید سعی کنیم از حقیقت معنای انتظار آگاهی یافته و این حالت را در خود و دیگران ایجاد کنیم.

برای فراگیر شدن مسئله انتظار و آموختن و جلوه دادن عظمت آن به دیگران، راههای گوناگونی وجود دارد که با استفاده از آنها، می توانیم حالت انتظار را در جامعه ایجاد نمائیم و در ژرفای وجود آنان، بذر انتظار را بارور سازیم. اینک بعضی از مهمترین راههایی را که به وسیله آنها جامعه به سوی مسئله انتظار گرایش پیدا می کند، یاد آور می شویم.

۱ - آشنایی با مقام عظیم ولایت و شناخت عظمت امام

زمان عجلای.

۱. در روایات متعدد به استفاده از قدرتهای خارق العاده در حکومت امام عصر ارواحنا فداء، تصریح شده است.

۲- آشنایی با آثار شگفت انتظار به معنای کامل و مراحل

عالی آن.

۳- آشنایی با اوصاف و ویژگیهای اصحاب امام عصر

ارواحنافداه، که به مرحله عالی انتظار رسیده و از قدرتهای عظیم

روحی برخوردار شده‌اند و فرمانهای امام زمان ارواحنافداه را

انجام می‌دهند.

۴- آشنایی با آینده انسان و جهان، تحولات عظیم و

دگرگونیهای مهمی که در زندگانی مردم زمان ظهور، واقع

می‌شود.^۱

معرفت به مقام امام زمان ارواحنافداه، شناخت یاوران

بزرگ آن حضرت، و تکمیل عقلها و تکامل علمی، ارتباط با

عالم نامرئی و غیب، شناخت موجودات ناشناخته، سفر به

آسمان و فضاها، دور و مسائلی دیگر از این قبیل، مردم را

به سوی مسأله ظهور امام عصر عجل الله تعالی له الفرج فرا می‌خواند

و حالت انتظار و آمادگی برای دولت پرشکوه و اسرارآمیز

آن حضرت را در آنان ایجاد می‌کند.

۱. راه‌های دیگری نیز وجود دارد که انسان را به سوی «انتظار» فرا می‌خواند و ما

درباره بعضی از آنها در کتاب «اسرار موفقیّت» توضیح داده‌ایم؛ مانند مسأله

اخلاص، آشنایی با معارف، محبت اهل بیت علیهم السلام، خودسازی و...

علم و آگاهی از این گونه حقائق، شور و نشاط را در دل و جان همه مردمان پاک طینت، به وجود می آورد و آنان را شیفته آن روزگار پرشکوه می کند و حالت انتظار و توقع ظهور را که از وظائف مسلم هر انسان است، در جامعه ایجاد می کند. اینک به توضیح مطالب یاد شده می پردازیم:

۱- آشنایی با مقام امام زمان ارواحنا فداه

آشنایی با خصوصیات و اوصاف امام زمان ارواحنا فداه، و توجه به وجود با عظمت آن بزرگوار، عامل مهمی برای ایجاد حالت انتظار است.

زیرا توجه به این نکته که اکنون در سراسر گیتی و در تمامی جهان آفرینش، کسی به جز آن بزرگوار شایسته رهبری و اصلاح عالم هستی نیست، انسان را به سوی آن حضرت جذب می کند.

آن بزرگوار آخرین ذخیره الهی و تنها بازمانده امیران جهان هستند که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام درباره آنان می فرمایند:

عِلْمُ الْأَنْبِيَاءِ فِي عِلْمِهِمْ وَسِرُّ الْأَوْصِيَاءِ فِي سِرِّهِمْ
وَعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ فِي عِزِّهِمْ، كَالْقَطْرَةِ فِي الْبَحْرِ

وَالذَّرَّةَ فِي الْقَفْرِ.^۱

علم پیامبران، در برابر دانش آنان و سرّ اوصیاء، در برابر سرّ آنان و عزّت اولیاء، در برابر عزّت آنان، همچون قطره‌ای در دریا و همانند ذره‌ای در میان بیابان است.

اینک ما که در زمان آخرین نفر از این خاندان هستیم، وظیفه داریم با توجه به حضرتش و با پیروی از خواسته‌های هدایتگر آن بزرگوار، خود را از تباهی و غفلت نجات دهیم و در انتظار فرا رسیدن حکومت آن حضرت که پرچم هدایت و عدالت را بر افلاک می‌زند، روز شماری کنیم. اگر کسی در این روزگار آن حضرت را بشناسد و از امدادهای غیبی امام زمان عجل الله تعالی فرجه در «زمان غیبت»، آگاهی داشته باشد و با تحولاتی که آن بزرگوار در «زمان ظهور» در سراسر گیتی در انسان و جهان ایجاد می‌نمایند آشنا باشد، همیشه به یاد آن بزرگوار خواهد بود و همان گونه که امر فرموده‌اند^۲ در انتظار طلوع خورشید ولایت بسر خواهد برد.

معرفت، در چنین انسانی، زنگار غفلت را از قلبش

۱. بحار الأنوار: ۱۷۳/۲۵.

۲. رجوع کنید به بحار الأنوار: ۱۴۵/۵۲.

می زداید و صفا و نورانیت را جایگزین آن می نماید. اینک به روایت جالبی که نشانگر امدادهای غیبی آن حضرت در زمان غیبت می باشد، توجه کنید. جابر جعفی از جابر بن عبدالله انصاری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

... ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ - تَعَالَى ذِكْرُهُ - عَلَى يَدَيْهِ
مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ
شِيعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ
إِلَّا مَنْ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ.

قَالَ: فَقَالَ جَابِرٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ يَنْتَفِعُ الشَّيْعَةُ بِهِ
فِي غَيْبَتِهِ؟ فَقَالَ صلی الله علیه و آله: أَيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ أَنَّهُمْ
لَيَنْتَفِعُونَ بِهِ وَيَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وِلايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ
كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ، وَإِنْ جَلَّلَهَا السَّحَابُ، يَا
جَابِرُ، هَذَا مَكْنُونُ سِرِّ اللَّهِ وَمَخزُونُ عِلْمِهِ فَاکْتُمُهُ إِلَّا
عَنْ أَهْلِهِ.

... اوست (حضرت مهدی ارواحنا فداه) که خداوند - که
یادش بزرگ باد - با دستان او مشرق ها و مغرب های زمین را
می گشاید. اوست کسی که از شیعه و اولیانش غایب می شود،

بطوری که ثابت قدم نمی ماند بر عقیده به امامت او، مگر کسی که خداوند قلب او را برای ایمان امتحان نموده باشد.

جابر جعفی می گوید: جابر بن عبدالله انصاری به پیغمبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا رسول الله صلی الله علیه و آله آیا شیعیان در زمان غیبت، از او بهره مند می شوند؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند: آری به خدائی که مرا به رسالت مبعوث نموده، آنان به وسیله او بهره مند می شوند در زمان غیبت او، و به وسیله نور ولایت او روشنایی می یابند، همان گونه که مردم از خورشید بهره مند می شوند، گرچه ابر آن را پوشانده باشد. ای جابر، این از سر مکنون الهی و علم مخزون اوست، پس آن را مخفی دار مگر از اهلش.

همان گونه که ملاحظه نمودید، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در این روایت با تأکید قسم یاد نموده اند که شیعیان در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداء از مقام ولایت آن حضرت نور می گیرند. کیست بی پرده به خورشید، نظر باز کند

چشم پوشیده ما، علت پیدائی تست

از لطافت نتوان یافت، کجا می باشی

جای رحم است بر آن کس که تماشایی تست

در زمان غیبت گرچه امام زمان ارواحنا فداء غایب هستند،

ولی در حقیقت پرده غیبت بر قلب های ما است و گرنه

امام علیه السلام نور درخشان هستند و برای کسی که قلبش بینا است آشکارند، اگرچه به ظاهر نابینا باشد.^۱

توجه به این حقیقت، انسان را به مقام ولایت، علم و قدرت آن بزرگوار راهنمایی می‌کند و محبت امام زمان ارواحنا فداء را در قلب‌ها سرشار نموده و انتظار فرا رسیدن حکومت جهانی حضرتش را در دل‌ها ایجاد می‌کند.

۲- آشنائی با آثار انتظار:

۱- گریز از یأس و ناامیدی

در جامعه‌ای که دین در آن نقشی ندارد و مردم در انتظار آینده‌ای بهتر نیستند، سرخوردگی از زندگی، قتل و خونریزی و خودکشی، فراوان به چشم می‌خورد. زیرا مردم عوامل منفی مانند فقر و تنگدستی، ظلم و ستم، تجاوز و قانون شکنی، بی‌اعتنایی به حقوق انسانها و این گونه مسائل را می‌بینند، و در برابر آن راه چاره و فرار از این تباهی‌ها را پیدا نمی‌کنند. به این جهت گرفتار بلای خانمان سوز یأس و ناامیدی می‌شوند؛ زیرا به خدا و آینده امید ندارند و راه

۱. برای توضیح مطلب، به حدیث بسیار جالب ابوبصیر و غایب شدن امام باقر علیه السلام

به «اسرار موقفتیت: ۲/۲۷۶» رجوع کنید.

گریز از همه این گرفتاری‌ها را دست زدن به خودکشی می‌پندارند. و با دست زدن به این جنایت نه تنها دنیا و آخرت خود؛ بلکه آینده زن و فرزندان و نزدیکان خود را نیز به تباهی می‌کشانند.

ولی شخصی که حالت انتظار را در خود به وجود آورده و هر لحظه امیدوار است تابش انوار تابناک ولایت را بر سراسر هستی بنگرد، هیچ‌گاه حاضر نیست دست به این گونه جنایت بزند و با ریختن خون خویش، زندگی عده‌ای دیگر را نیز به تباهی بکشد. بنابراین، مسئله انتظار فرج برای او گشایش است و زمینه گریز از ناامیدی و تباهی را فراهم می‌کند. روایتی که می‌آوریم، گواه بر این حقیقت است:

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَنْ شَيْءٍ مِنَ الْفَرَجِ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْلَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ إِنْتِظَارَ الْفَرَجِ مِنْ

الْفَرَجِ؟

قُلْتُ: لَا أَذْرِي إِلَّا أَنْ تُعَلِّمَنِي.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ، إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ!

حسن بن جهم می گوید: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره فرج سؤال نمودم. امام علیه السلام فرمودند: آیا نمی دانی که انتظار فرج، مقداری از فرج است. گفتم: من خبر ندارم، مگر آن که شما به من تعلیم نمائید. امام علیه السلام فرمودند: آری، انتظار فرج مقداری از فرج است.

۲ - تکامل روحی

انسان می تواند با ایجاد انتظار کامل، مقداری از حالات مردم زمان ظهور - مانند تطهیر قلب - را در خویشتن ایجاد کند و به وسیله امید و انتظار، خود را از ناامیدی و تباهی نجات دهد.

به این جهت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیهم نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:

أَفْضَلُ عِبَادَةِ الْمُؤْمِنِ إِنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ^۱

برترین عبادت فرد مؤمن، این است که از خداوند انتظار فرج داشته باشد.

بنابراین انسان بر اثر داشتن حالت انتظار، می تواند بعضی از آثار تکامل در زمان ظهور را در خود ایجاد کند.

۱. بحار الأنوار: ۱۳۱/۵۲.

برای توضیح مطلب به فرمایش امام سجاد علیه السلام به ابی خالد توجه کنید:

عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَابِلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام:
تَمَّتْ الْغَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ
رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَالْأُمَّةِ بَعْدِهِ.

يَا أَبَا خَالِدٍ؛ إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ، الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ،
الْمُنْتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ، لِأَنَّ اللَّهَ -
تَعَالَى ذِكْرُهُ - أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ
مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ،
وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ
يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِالسَّيْفِ، أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ
حَقًّا، وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا، وَالِدُعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا
وَجَهْرًا.

وَقَالَ عليه السلام: اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ ۱.

ابی خالد کابلی از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام نقل کرده
است که آن حضرت فرمودند:

غیبت به وسیله ولی خداوند که دوازدهمین نفر از اوصیاء
پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله و امامان بعد از اوست، طولانی می شود.

ای ابا خالد، بدرستی مردمانی که در زمان غیبت او هستند و معتقد به امامت او و منتظر ظهور او می باشند، برتر از اهل هر زمانی هستند.

زیرا خداوند - که یادش بزرگ باد - آن قدر از عقل ها و فهم ها و معرفت به آنان عنایت می نماید که غیبت در نزد آنان بمنزله مشاهده است و آنان را در آن زمان به منزله مجاهدینی قرار داده است که در حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با شمشیر می جنگند. آنان حقیقتاً با اخلاص هستند و شیعیان با صداقت ما می باشند و مردم را در آشکار و پنهان به سوی دین خداوند فرامی خوانند.

سپس امام سجاد علیه السلام فرمودند: انتظار فرج، از اعظم فرج است.

دوست نزدیک تر از من، به من است

وین عجبت که من از وی دورم

این سخن با که توان گفت که دوست

در کنار من و من مهجورم

منتظران راستینی که در صراط انتظار به تکامل

رسیده اند، بر اثر آماده ساختن خود برای حکومت قدرتهای

غیبی خداوند بر سراسر گیتی، در زمان غیبت به قسمتی از

ویژگیهای فردی زمان ظهور - مانند تطهیر قلب - دست

می‌یابند، به گونه‌ای که روزگار تیره غیبت برای آنان بمنزله روز شهود است.

اگر انتظار در آنان دارای این گونه آثار نباشد، پس چگونه انتظار فرج اعظم فرج است؟ آنان با حالت انتظار، میان زمان ظهور و غیبت پیوند می‌زنند و برخی از حالات آن روزگار را در دوران غیبت به دست می‌آورند.^۱

مرحوم شیخ انصاری در منزل امام زمان ارواحنا فداء

اینک برای روشن شدن دل‌ها، جریانی را از شخصیت بزرگ جهان شیعه - که به وسیله داشتن قدرت‌های غیبی در آشکار و نهان به یاری دین خدا برخاست - می‌آوریم:

یکی از شاگردان مرحوم شیخ انصاری درباره ارتباط مرحوم شیخ انصاری با امام عصر ارواحنا فداء و تشرّف ایشان به منزل آن حضرت چنین گفته است:

در یکی از زیارات مخصوصه حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام به کربلا مشرّف شده بودم. شبی بعد از نیمه شب برای رفتن به حمام از منزل بیرون آمدم، و چون کوچه‌ها گل

۱. همان گونه که گفتیم، به ندرت افرادی مانند مرحوم سید بحر العلوم و مرحوم شیخ مرتضی انصاری، به این حالات دست می‌یابند.

بود، چراغی همراه برداشتم. از دور شخصی را شبیه به شیخ دیدم. چون قدری نزدیک رفتم، دیدم آری شیخ است. در فکر فرو رفتم که ایشان در این موقع از شب، آن هم در این گل ولای با چشم ضعیف به کجا می رود؟ من برای این که مبادا کسی او را کمین کرده باشد، آهسته در پی او روان شدم تا بر در خانه مخروبه‌ای ایستاد و زیارت جامعه را با توجه خاصی خواند و سپس داخل آن خانه گردید!

من دیگر چیزی نمی‌دیدم ولی صدای شیخ را می‌شنیدم، گویا با کسی صحبت می‌کرد. من به حمام رفتم و بعد به حرم مطهر مشرف گشتم و شیخ را در حرم مطهر دیدم. بعد از پایان مسافرت، در نجف اشرف خدمت شیخ رسیدم و جریان آن شب را به عرض وی رساندم. اول شیخ انکار کرد تا پس از اصرار زیاد فرمود:

گاهی برای رسیدن خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مأذون می‌گردم و پشت درب آن منزل که تو آن را پیدا نخواهی کرد می‌روم و زیارت جامعه را می‌خوانم؛ چنانچه ثانیاً اجازه دهند، خدمت آن حضرت شرفیاب می‌شوم و مطالب لازمه را از آن سرور می‌پرسم. سپس شیخ فرمود: تا زمانی که در قید حیات می‌باشم، این مطلب را

پنهان دار و به کسی اظهار مکن!۱

این گونه شخصیت‌های بزرگ و راه یافته دارای آمادگی کامل برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء می‌باشند، نه آنان که در زمان ظهور با تأویل و توجیه آیات قرآن مجید، به جنگ با آن حضرت می‌پردازند!

کلید گنج سعادت فتد به دست کسی

که نخل هستی او را بود برهنری

چو مستعد نظر نیستی، وصال مجوی

که جام جم ندهد سود، وقت بی‌بصری

رمز موفقیت‌ها و راز محرومیت‌ها

ممکن است سؤال شود: چگونه مرحوم شیخ انصاری هر گاه اجازه می‌یافت، می‌توانست به منزل امام زمان ارواحنا فداء برود و با خواندن زیارت جامعه و اذن ثانوی، وارد منزل شود و با امام مهربان خویش، سخن بگوید؟ او چگونه به این مقام راه یافته بود، ولی شاگرد آن بزرگوار که او نیز منزل امام عصر ارواحنا فداء را دیده بود، چنین افتخاری نداشت و مرحوم شیخ به او چنین فرمود: تو دیگر

۱. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ص ۱۰۶.

آن خانه را نخواهی یافت؟!

این سؤال مهمی است که پاسخ قانع کننده‌ای لازم دارد. متأسفانه بعضی از افراد برای این گونه سئوالات، جواب‌های آماده و فوری دارند و در برابر این قبیل پرسش‌ها فوراً پاسخ می‌دهند: خدا چنین خواسته است یا خدا با بعضی از افراد - نعوذ بالله - قوم و خویشی دارد و هیچ گونه ارتباطی به عمل و خواسته مردم ندارد!

این گونه پاسخ‌ها که بیشتر برای شانه خالی کردن از بار مسئولیت می‌باشد، صحیح نیست. به این جهت نه قانع کننده است و نه هیچ گاه کسی را به راهی راهنمایی می‌نماید. ما در پاسخ این سؤال - با توجه به فرمایشات خاندان وحی - می‌گوئیم:

خداوند مهربان همه انسان‌ها را به سوی تکامل معنوی و روحی فراخوانده است و در دعوت عمومی خود به همه کسانی که در این راه قدم بردارند، اجر و پاداش می‌دهد. همان گونه که میزبان، میهمانان خویش را دعوت می‌کند و در صورت شرکت در مجلس، از همه آنان پذیرایی می‌کند؛ خداوند نیز زمینه پیشرفت و تکامل را در انسان‌ها ایجاد نموده و به این گونه، آنان را به سوی تکامل دعوت کرده

است. و در قرآن مجید صریحاً فرموده است:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^۱

هر کس در راه ما کوشش کند، ما حتماً او را به راه‌های
خود هدایت می‌کنیم.

این وظیفه میهمانان است که دعوت خدا را پاسخ گویند
و در راه تکامل روحی و پیشرفت معنوی خود، قدم بردارند.
بنابراین در انسان‌ها زمینه پیشرفت و تکامل وجود دارد
و آنان از این نعمت بهره‌مند هستند؛ ولی آن را بایگانی نموده
و از آن استفاده نمی‌کنند. مانند ثروتمندان کوتاه نظری که به
انباشته شدن هر چه بیشتر حساب‌های پس انداز خود در
بانک‌ها خوشنودند و هیچگاه توفیق استفاده از آن ثروت‌ها
را پیدا نمی‌کنند.

برای موفقیت باید از زمینه‌ها و تواناییهای موجود
استفاده کنید و کمبودهای خود را نیز جبران نمائید، تا به
اهداف بزرگ خود دست یابید.

بسیاری از افراد از نظر ذاتی، توانایی و آمادگی زیادی
برای رسیدن به تکامل معنوی و روحی دارند، ولی چون

۱. سوره عنکبوت آیه ۶۹.

دیده باطن چو بینا می شود

آنچه پنهان است، پیدا می شود

منتظرانی که در صراط انتظار سوخته اند و خود را ساخته اند، با فرار از هوای نفس و پرواز و ترقی روح، از تسلط نفس خارج می شوند و جاذبه نفس قدرت ندارد آنان را به سوی خود بکشاند. همان گونه که سفینه های فضایی آن گاه که از مدار زمین خارج می شوند، جاذبه زمین دیگر نمی تواند آنها را به سوی خود بکشاند؛ شما نیز اگر با مرور زمان، خود را از مدار هواهای نفسانی خارج کنید، جاذبه نفس و وسوسه شیطان در شما تأثیری ندارند.

یاران اهل بیت علیهم السلام همچون جناب سلمان این گونه بودند. آنان از مدار نفس خارج شده و از قید مادیات رها گشتند؛ از این رو با عالم غیب در ارتباط بودند. ولایت و قدرتی که سلمان داشت، از این جهت بود که از مدار نفس خارج شده و هواهای خود را نابود کرده بود. و میل و اراده امیرالمؤمنین علیه السلام را حاکم بر میل و اراده خود قرار داده و به این جهت از قدرت های نهان و نیروهای غیبی بهره مند بود و استفاده می کرد.

شناخت مقام ولایت

انتظار ظهور، قدرتِ ولایتِ امامِ زمانِ ارواحنا فدا را در
و جانِ شخصِ منتظرِ استحکامِ می‌بخشد و او را بر این
تیه ثابت و استوار می‌نماید که روزی از کنارِ خانهٔ خدا،
رت الهی بدست آن حضرت آشکار می‌شود و همهٔ
غوتیان جهان را که زالو صفت به مکیدن خونِ ضعیفان
داخته‌اند، به سزای اعمالِ ننگینشان می‌رساند، و با صلابتِ
قدرتِ عظیمِ ولایت، به همهٔ جهانیان ثابت و روشن
کند، کسی دارای مقامِ امامت و ولایت است که بتواند قدرت
ارا ظاهر و آشکار نماید.

این، اندیشه و اعتقادِ یک فردِ منتظر است. بنابراین
نتظارِ ظهور، همراه با اعتقاد به عقاید و معارفِ اصیلِ دین
باشد؛ زیرا که انتظار، بذرِ معرفت و شناختِ اعتقادات را در
ذهانِ منتظران بارور می‌کند و به آنان تفهیم می‌کند: سرانجام،
اسرگیتی در تحتِ سیطرهٔ قدرتِ ولایتِ سر و سامان می‌یابد
و قدرتِ عظیم و ناشناختهٔ ولایت، همهٔ قدرتهایِ ستمگرِ جهان
را به زانو در می‌آورد و تمدنِ مادیِ جهان در برابرِ نیرویِ بیکران
ولایتِ الهی تاب نیاورده و عالم در اختیارِ نیروهایِ شگفت‌انگیز
مصلحِ جهانِ ارواحنا فدا قرار می‌گیرد.

۴ - شناخت مدعیان

در طول تاریخ شیعه، افراد متعددی با ادعای مهدویت قیام نموده‌اند و خود را رهبر و مصلح مردم معرفی نموده‌اند، و با این حيله خون و جان و مال انسان‌ها را پایمال نموده و عده‌ای را به گمراهی کشانده‌اند؛ ولی افرادی که صادقانه در صراط انتظار قدم برداشته‌اند و وجود خود را با انوار تابناک ولایت روشن ساخته‌اند، فریب این شیادان را نخورده‌اند و به دام این شیادان گرفتار نشده‌اند و با زبان حال به آنان گفته‌اند:

برو این دام بر مرغ دگر نه

که عنقا را بلند است آشیانه

آگاهی آنان و شناخت شیادان و دزدان طریق، به خاطر

آشنایی آنان با مقام رفیع امامت است.

به این جهت آب حیات را به سراب نمی‌فروشند و غاصبان

خلافت را به امامت بر نمی‌گزینند.

۳- آشنایی با مقام منتظران تکامل یافته یا اصحاب بزرگ امام عصر ارواحنا فداء

یکی دیگر از اموری که باعث جذب شدن مردم به اط انتظار است آشنا شدن با مقام منتظران تکامل یافته یا صحاب امام عصر ارواحنا فداء می باشد.

از آثار شگفتی که انتظار، برای منتظران تکامل یافته به رمغان می آورد، این است که نه تنها آنان از نظر عقیده و اعتقاد، عارف به مقام عظیم ولایت اهل بیت علیهم السلام هستند؛ بلکه روزنه‌ای از نور پرفروغ خورشید ولایت می باشند. یعنی بر اثر تکامل در مسیر انتظار تا حد ظرفیت خویش، از مقام خاندان وحی قدرت‌های معنوی و روحی کسب نموده‌اند، و با استفاده از آنها، مأموریت‌هایی که به آنان داده می شود، انجام می دهند.

این گونه افراد، سرآمد یاوران امام زمان ارواحنا فداء می باشند و پیشتازان به سوی مقام ولایت آن حضرت می باشند.

اینک به این نکته توجه کنید که خداوند کریم در قرآن مجید می فرماید:

﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾^۱.

در خیرات از یکدیگر سبقت بگیرید. هر جا که باشید خداوند همه شما را می آورد.

این آیه درباره سیصد و سیزده تن از بزرگان اصحاب امام عصر ارواحنا فداء است که در روز ظهور، خداوند بزرگ آنان را در کنار خانه خود به گرد وجود مقام ولایت کلیه جمع می کند، تا به یاری آن حضرت بشتابند و به زندگی سیه دلان روزگار خاتمه بخشند.

گاهی سئوالی مهم به ذهن بعضی از افراد می آید، که آیا مقصود از سبقت گرفتن آنان در خیرات چیست؟ و سیصد و سیزده تن از یاوران پیشتاز حضرت مهدی ارواحنا فداء، با دارا بودن چه خصیلتی بر دیگران سبقت می گیرند و به آن مقام بزرگ نائل می شوند؟!

با هم به مکتب وحی رو می آوریم و پاسخ آن را این گونه می یابیم:

حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ای که ذکر کردیم، چنین می فرمایند:

۱. سوره بقره آیه ۱۴۸.

الْخَيْرَاتُ؛ الْوِلَايَةُ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ^۱

مقصود از خیرات - که در آیه ذکر شده - ولایتی است که از آن ما اهل بیت است.

اشاره‌ای به قدرت آنان

هر چه انسان در پذیرش ولایت بکوشد، روح خود را قویتر می‌کند و قدرت غیر عادی او افزایش می‌یابد؛ تا حدی که می‌تواند بر اثر قدرت روح، بر موجودات مادی و حتی غیر مادی حکومت کند.

اینک به ذکر داستانی جالب از مرحوم علامه بحر العلوم می‌پردازیم:

مرحوم علامه سید بحر العلوم مبتلا به مرض خفقان بود و با این مرض در وقت تابستان به قصد تشرّف به کربلا در یکی از زیارات مخصوصه حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام در روزی بسیار گرم، از نجف اشرف خارج شد. مردم تعجب نمودند که با این مرض و گرمی هوا، ایشان چگونه به مسافرت می‌روند؟!

در میان همسفرهای ایشان، مرحوم شیخ حسین نجف

۱. الغیبه مرحوم نعمانی: ۳۱۴.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر گاه به امام علیه السلام اذن داده شود، خداوند را به اسم عبری او می خوانند، آن گاه یاوران او که سیصد و سیزده تن هستند، برای یاری او مهیا می گردند. آنها ابرهائی هستند همچون ابرهای پائیزی (که به هم می پیوندند و در یک جا جمع می شوند) و آنان پرچمداران (حضرت مهدی علیه السلام) هستند.

بعضی از آنان شبانه از خوابگاه خود ناپدید می شوند و در مکه صبح می کنند، وعده ای دیگر از آنان دیده می شوند که روز در ابرها سیر می کنند و به نام خود و نام پدر و صفت و نسبشان شناخته می شوند.

گفتم: کدام یک از این دو دسته از نظر ایمان با عظمت تر هستند؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: آنان که در روز در ابرها سیر می کنند و اینان هستند که از مکان های خود ناپدید می شوند و درباره آنان این آیه نازل شده است: «هر جا که باشید، خداوند تمامی شما را می آورد».



آشنایی با زمان ظهور

آشنایی با وضع جهان در روزگار ظهور و تحوّل عظیمی که در آن زمان رخ می‌دهد، انسان را به سوی مسأله انتظار فرا می‌خواند.

تحوّل شگفت‌انگیزی که در سراسر جهان و در انسان‌ها پیدا می‌شود، انسان و جهان را به صورتی دیگر جلوه‌گر می‌سازد.

۱ - پاکسازی باطن

اینک به تشریح کوتاهی از تحولاتی که در اعماق وجود انسانها به وجود می‌آید، توجه کنید:

یکی از مسائل اعتقادی، بحث طینت و چگونگی آمیخته شدن طینتهای پاک و ناپاک به یکدیگر است. در روایات بیان نموده‌اند که مقصود از طینت چیست و چرا طینت‌ها به هم آمیخته شدند و چگونه پاکسازی شده و از یکدیگر جدا می‌گردند؟ تفصیل این مسئله با حجم کوچک بحث ما مناسب نیست؛ از این رو تنها به این نکته اشاره می‌کنیم:

از ویژگی‌های روزگار ظهور، پاکسازی طینت‌ها از

آمیختگی‌ها و پاکسازی نفس و ضمیر ناخودآگاه از آلودگی‌هایی است که در اعماق وجود انسان وجود دارد.

چرا می‌گوئیم در روزگار ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا

فداء، مردم از آمیختگی‌ها و آلودگی‌ها پاک می‌شوند؟

قبل از پاسخ به این سؤال، داستانی را به خاطر توضیح

مطلب می‌آوریم:

شیبة بن عثمان یکی از دشمن‌ترین دشمنان پیغمبر

اکرم صلی الله علیه و آله بود و آرزوی قتل آن حضرت را در سر

می‌پروراند. او در جنگ «حنین» شرکت کرد تا پیغمبر را به

شهادت برساند. و آن گاه که مردم از اطراف آن حضرت

پراکنده شدند و پیغمبر تنها ماندند، از پشت سر خود را به

ایشان رساند، ولی شعله‌ای از آتش به سوی او بلند شد؛ به

طوری که طاقت تحمل آن را نداشت. به این جهت نتوانست

به مقصود خود دست یابد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به او رو نموده و فرمودند: شیبة

نزدیک بیا! آن گاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله دست خود را بر سینه

او گذاردند. بر اثر این کار، محبت آن بزرگوار در قلب او

جای گرفت؛ به طوری که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، محبوب‌ترین

فرد نزد او شدند. آن گاه در حضور آن حضرت به جنگ با

مخالفتان پرداخت، به طوری که اگر در برابر پدر خود قرار می‌گرفت، او را به خاطر یاری پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌کشت.^۱ ببینید چگونه دستان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله طینت ناپاک و نفس آلوده یکی از سرسخت‌ترین دشمنان را در یک لحظه از ناپاکی و آلودگی نجات داد و او را از صف کفار جدا نمود و در میان لشکر پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار داد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با کشیدن دستان مبارک خود بر سینه او، عقل او را تکمیل نمودند و به خاطر تحوّل که در طبیعت ناپسند وی به وجود آمد، از ضلالت و گمراهی نجات یافت. پس از بیان این مقدمه به شرح روزگار ظهور می‌پردازیم.

حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ
بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ.^۲

آن گاه که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سرهای بندگان خدا می‌گذارد. پس با این عمل، عقل‌های آنان را جمع می‌کند (به این سبب نیروهای عقلی آنان کامل می‌شود) و اخلاق آنان را تکمیل می‌نماید.

۱. سفینه البحار: ۲۰۲/۱، ماده حیب.

۲. بحار الأنوار: ۳۳۶/۵۲.

امام عصر ارواحنا فداه با این رفتار، باطن افراد را پاکسازی می‌کند و همهٔ بندگان خدا را از آلودگیها نجات می‌بخشد.

۲ - تکامل عقلها در زمان ظهور

اکنون دو نکتهٔ جالب توجه در روایت را، توضیح می‌دهیم:

۱ - حضرت بقیة الله ارواحنا فداه دست خود را نه فقط بر سر اصحاب و یارانشان؛ بلکه بر سر تمام بندگان خدا قرار می‌دهند. یعنی همهٔ افرادی که بندگی خدا را در آن روز قبول دارند؛ اگر چه در جنگ، از یاوران آن حضرت نباشند مانند کهنسالان و کودکان، از این نعمت بزرگ برخوردار می‌شوند.

۲ - عقول همهٔ مردم از پراکندگی نجات می‌یابد و همه دارای قدرت کامل تمرکز فکر و تعقل که منشأ علوم و درک‌های خارق العاده است، می‌شوند. کامل شدن نیروهای عقلی آنان، به این معنی است که می‌توانند از تمامی قدرت‌های مغزی خود استفاده کنند.

آری در روزگاری که دست الهی بر سر مردم جهان قرار گیرد و انسان‌های زجر کشیدهٔ دوران غیبت را نوازش دهد، نیروهای پنهان و نهفته در مغز انسان‌ها بر اثر تکامل عقلی،

تجلی و ظهور می‌یابد و به عالی‌ترین مراحل تکامل علمی و عملی و تمدن شگفت‌انگیز روزگار ظهور دست می‌یابند. برای آن که با قدرت مغز و آثار شگفت‌تکامل عقلی، آشنایی بیشتری پیدا کنید، به تشریح قدرت عظیم مغز می‌پردازیم:

«هر انسانی اعم از نابغه یا عادی، چیزی بیش از یک میلیارد ظرفیت مغز خویش را در دوران زندگی به کار نمی‌گیرد. اگر فقط یک میلیارد توانایی و ظرفیت کلی مغز، اعم از مغز یک نابغه یا مغز یک انسان عادی به کار گرفته شود، تفاوتی که بین آنها دیده می‌شود، یک تفاوت کیفی خواهد بود نه کمی»^۱ یعنی حتی افراد نابغه‌ای که از قدرت عجیب فکری برخوردارند؛ فقط می‌توانند از یک میلیارد مغز خود استفاده کنند نه بیشتر. ولی چگونگی بهره‌گیری آنان از یک میلیارد مغز خود بهتر از دیگران است.

«سالها پیش از این، یکی از ریاضی‌دانان معاصر، مطلبی پرسر و صدا را به آگاهی مردم رساند. او تخمین زد که مغز انسان عملاً می‌تواند ده واحد اطلاعاتی را در خود ذخیره سازد. این رقم را اگر به زبان ساده بیان کنیم، به این معنی

۱. تواناییهای خود را بشناسید ص ۳۴۷.

خواهد بود که هر یک از ما می‌تواند کل محتوای اطلاعاتی میلیون‌ها جلد کتاب موجود در بزرگترین کتابخانه جهان در مسکو را به حافظه بسپارد. سخن فوق در نگاه نخست، همانند محاسباتی که در تأیید آن به عمل آمده، حیرت‌انگیز به نظر می‌رسد.^۱

اکنون توجه کنید: در صورتی که قدرت مغز انسان بر اثر تشعشع انوار درخشان مصلح جهان به تکامل رسد و انسان از تمام نیروی مغز خود - نه یک میلیاردم آن - استفاده کند و علم و تمدن سراسر گیتی را فراگیرد، صحنه جهان چگونه خواهد بود؟!

در زمانی که انسان بر اثر تکامل عقلی راه‌های استفاده از قدرتهای خفته روح را پیدا نماید و بتواند آنها را بیدار نموده و از آنها بهره‌گیری نماید، می‌تواند جسم خود را تابع روح خویش قرار داده و به قدرت «ترواح» دست یابد. یعنی می‌تواند جسم مادی خود را تبدیل به انرژی و امواج کند و با این کار حالت جسمانیت و مادیت را از او بگیرد. وقتی که انسان قادر بر این کار شد؛ کرامت‌های فراوانی که در آن زمان عادی است، برای او محقق می‌شود.

۱. تواناییهای خود را بشناسید: ۴۴.

در زمان غیبت نیز افراد بسیار اندکی که دارای قدرت «طی الارض» هستند، از این راه استفاده می‌کنند و با گرفتن حالت مادیت و تجسم از جسم خویش، خود را به صورت انرژی و امواج، تبدیل نموده و در یک لحظه در نقطه دیگری از زمین، خود را ظاهر می‌کنند. آنان با قدرتی که دارا هستند؛ جسم تروح یافته خود را، به نقطه‌ای که مایل هستند هدایت می‌کنند و در آنجا آن را مجسم می‌نمایند.

۳ - تحوّل عظیم در جهان

در روزگار پر شکوه ظهور، تحوّل عظیم در زمین رخ می‌دهد و به فرموده قرآن مجید: ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ﴾^۱، زمین به گونه‌ای دیگر و در وضع و شرایط جدید قرار می‌گیرد. نه تنها زمین، بلکه زمان نیز دستخوش تحوّل تازه می‌شود.^۲

«امروز همه دانشمندان بر این نکته هم عقیده هستند که ماده از ارتعاشات تشکیل شده است. ارتعاشات را می‌توان توسط کابل یا امواج صوتی، مثل تصاویر و اصوات، به

۱. سوره ابراهیم، آیه ۴۸.

۲. اشاره به روایتی است که می‌فرمایند: «إِذَا اتَّسَعَ الزَّمَانُ، فَأَبْزَارُ الزَّمَانِ أُولَى بِهِ»

بحار الأنوار: ۳۵۴/۴۷.

دورترین نقاط منتقل کرد؛ در نتیجه ارگانیزم انسان را که از ماده ساخته شده، می توان به ارتعاش تبدیل کرد و توسط الکترونیک به هر نقطه عالم فرستاد. نظر من این است که در آینده ای نه چندان دور، حتی قبل از مسافرت های فضایی، می توان روشهایی پیدا کرد تا پیکر آدمی را به ارتعاشاتی تجزیه نمود و آن را به فضا فرستاد و در آنجا ذرات از هم گسسته را به هم متصل ساخت.

حال خوانندگان ما می توانند این را خود قضاوت کنند که انسان روح است و جسم او جز ذرات متمرکز ماده چیز دیگری نیست که با کُند ساختن و پایین آوردن ارتعاشات، می توان آن را به اشکال دلخواه درآورد.^۱

می توان روزی را به چشم دید که انسان پیکر خود را تبدیل به جریان الکترون بسازد تا در پی آن، این جریان را به سوی نقطه دوری هدایت کند و در آنجا تجمع اتمهای تشکیل دهنده بدن مجدداً صورت گیرد.^۲

بنابر تکامل عمومی نیروهای عقلی که در روایت به آن تصریح شده، غلبه روح بر ماده همگانی می شود و مردم حاکم

۱. روح زنده می ماند : ۱۵۸.

۲. روح زنده می ماند : ۱۸۸.

بر جسم خود می‌شوند و می‌توانند از این حالت به خوبی استفاده کنند. در آن روزگار پرشکوه ناشناخته، زندگی مردم و احتیاجات آنان به وسائل مادی، به گونه‌ای دیگر است.

در پرتو ظهور ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، علم و دانش انسان به عالیترین نقطه امکان می‌رسد، و بشر می‌تواند از تمامی مراحل دانش به راحتی و آسانی بهره‌مند گردد و اسراری را که اولیاء خدا تا آن روزگار از مردم به خاطر آماده نبودن آنان کتمان می‌کردند، فاش می‌نمایند و انسان‌ها را با دنیای اسرار آمیز وجود خود و جهان خارج آشنا می‌کنند و راه تربیت و تکامل نهایی را برای آنان می‌گشایند.

شاید پذیرفتن این گونه مطالب برای ما سخت باشد و این همه پیشرفت در مسائل علمی را نتوانیم بپذیریم؛ در حالی که می‌دانیم، اگر مغز انسان از اسارت شیطان و جهل آزاد شود، لازمه آن، تکامل انسان در تمام ابعاد می‌باشد به گونه‌ای که رازی در جهان ناگفته نمی‌ماند و همه مسائل بفرنج علمی فاش می‌شوند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام - که غاصبان خلافت، تاکنون میلیاردها انسان را از رسیدن به عالیترین مراحل علم و کمال، و تمدن درخشان ولایت محروم ساخته‌اند - در کلامی که از

اعماق وجود آن بزرگوار برخاسته، چنین می فرمایند:

يَا كَمِيلٌ؛ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا
وَالْقَائِمُ يَخْتِمُهُ.^۱

ای کمیل، هیچ علمی نیست مگر آن که من او را می گشایم و
هیچ سری نیست مگر آن که قائم علیه السلام او را پایان می بخشد.

آری آن گاه که انوار تابناک از دستان مبارک حضرت بقیة
الله الاعظم ارواحنا فداء مغزهای مردم ستم کشیده و رنج دیده
جهان را تکامل بخشد و قدرت استفاده از قدرتهای بسیار
شگفت ایجاد شود، انسان‌ها می توانند با تمامی قدرت فهم و
خرد خویش - نه یک میلیاردم آن - پذیرای اسرار مکتب
حیاتبخش خاندان وحی شوند و به نهایی ترین مرحله علم و
کمال دست یابند.

در آن روزگار پرشکوه، رازها و اسرار نهفته آشکار خواهد
شد، و از تیرگی و تاریکی‌های این دوران اثری نخواهد بود. آیا
انتظار رسیدن چنین روزی قلب شما را صفا نمی بخشد؟!۱

نتیجه بحث

انتظار، حالتی امیدوار کننده و نجات بخش است که منتظران را در دوران سیاه غیبت از گرداب حیرت نجات می بخشد و آنان را به سوی وادی نور و صفا می کشاند.

انتظار، غمزدگان را حیاتی دیگر می بخشد و نیرویی تازه می دهد و دل‌های افسرده را امیدوار می نماید و جهانی از شادکامی و درخشندگی را در اذهان پرورش می دهد.

انتظار، مردمان وارسته را می جوید و حالات خجسته را می نماید و جمال فروزنده را نشان می دهد.

انتظار، موانع و تیرگیها را می زداید و نوری فروزنده در وجود انسانهای تکامل یافته، ایجاد می کند.

انتظار، بذر معارف و اعتقادات اصیل شیعه را در قلب منتظران بارور می کند و کامل ترین حالات معنوی را برای بافضیلت ترین انسان ها به ارمغان می آورد.

اگر می خواهید حالت انتظار را در خود ایجاد نموده و تقویت نمائید، با مقام عظیم ولایت انس بگیرید و از آثار شگفت انتظار آگاهی یابید و با پیگیری در حالات منتظران تکامل یافته، از خصلت‌ها و ویژگی‌های آنان آگاه شوید و با

خجستگی‌های زمان ظهور حضرت بقیة الله الاعظم
ارواحنا فداه، قلب و جان خود را آشنا کنید، تا ناخودآگاه
انتظار فرا رسیدن آن روزگار پرشکوه، تمام وجودتان را فرا
گیرد.

روز محشر که زهولش سخنان می‌گویند
راست گویند ولی چون شب هجران تو نیست